



به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی

علاء اسماعیل | ترجمه: عادل حیدری



به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی

مقدمه:

مطالعه تاریخ اسلامی، صرفاً مرور رخدادها و مراحل تحولات تاریخی نیست، بلکه سفری فکری و روحی است که ژرفای عقیده و نموده‌های آن را در زندگی امت اسلامی کشف می‌کند. چرا که تاریخ اسلام، در دل خود درس‌ها و عبرت‌هایی نادر دارد که همچون نوری، راه‌ها را روشن می‌سازد و ایمان را در دل مؤمنان تقویت می‌کند.

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

قرآن کریم نیز از طریق روایت داستان‌ها و ذکر رویدادهای امت‌های پیشین به موضوع تاریخ توجهی ویژه نشان داده است؛ بلکه خداوند متعال به‌طور کلی بندگانش را به مطالعه تاریخ فراخوانده است، آن‌چنان‌که در این آیه می‌فرماید:

{أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ} [غافر: ۸۲]

(آیا در زمین نگشته‌اند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟)

بازگشت به تاریخ اسلامی این فرصت را در اختیار ما می‌گذارد که معانی صبر و استواری را الهام بگیریم؛ چرا که پیشینیان این امت، با ایمانی استوار و دل‌هایی سرشار از یقین، در برابر چالش‌ها و بحران‌ها ایستادگی کردند و به الگویی در مسیر حقیقت‌طلبی تبدیل شدند.

در جهانی که سرشار از چالش‌های فکری است، اهمیت فهم آن لحظات تاریخی برجسته می‌شود، چرا که آن وقایع، مسیر حرکت امت را شکل داده‌اند

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

و اکنون وسیله‌ای برای تقویت عقیده و استحکام پیوند میان نسل‌ها به شمار می‌آیند؛ و این، راهی برای درک درست از زمان حال و جهت‌دهی صحیح به آینده است.

در همین زمینه، ابن خلدون می‌گوید:

«بدان که علم تاریخ، دانشی است بس گران‌مایه، پرفایده و با هدفی شریف؛ زیرا ما را از احوال ملت‌های گذشته و شیوه زندگی‌شان، و رفتار پادشاهان در حکومت و سیاستشان آگاه می‌سازد؛ تا فایده الگوگیری برای کسانی که خواهان آنند، چه در امور دین و چه در امور دنیا، تحقق یابد»^۱.

سیره پیامبر مصطفی ﷺ، محور و هسته مطالعه تاریخ اسلامی به شمار می‌رود؛ چرا که شناخت زندگی پیامبر ﷺ، سنت‌ها و آداب ایشان، و همچنین رویدادها، غزوات، و اسباب نزول (آیات)، و سایر شئون زندگی ایشان، پس از قرآن، منبع اصلی در تثبیت عقیده و تقویت یقین است.

۱ - مقدمه ابن خلدون (۱/۱۶).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

در راستای تقویت عقیده اسلامی صحیح، این مقاله علمی از سوی مرکز مطالعات سلف نگاشته شده است، که در قالب سه بخش اصلی سامان یافته است. اکنون با یاری خداوند متعال و با امید به توفیق و راهیابی از جانب او، وارد بخش نخست می‌شویم.

مرکز مطالعات سلف

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

مطلب اول: جنبه‌های بهره‌مندی از تاریخ در علم عقیده

از طریق بررسی رخدادهای تاریخی، می‌توانیم درس‌های مهمی را استخراج کنیم که به تقویت مفاهیم ایمانی کمک کرده و در پرداختن به مسائل اعتقادی روز سودمند باشند. بهره‌برداری از تاریخ در زمینه‌های زیر نمود می‌یابد:

۱- عبرت‌گیری از سنت‌های الهی در جهان هستی:

سنت‌های الهی یا همان قوانینی که در قرآن کریم از آن‌ها به «آیات» تعبیر شده است، قوانین ثابتی‌اند که بر جهان و زندگی بشر حاکمند. این سنت‌ها طبق نظم دقیق و تغییرناپذیر عمل می‌کنند و برای هدایت انسان به سوی حقیقت‌های بزرگ طراحی شده‌اند. از جمله این سنت‌ها، آیه زیر است:

{سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ} [فصلت:

(۵۳)] (در این دنیا و در هنگامه قیامت، [نشانه‌های] [توان و تدبیر] خود را در

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

آفاق [جهان] و در [وجود] خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن شود که قرآن حق است.

اما «سنت‌های کلی» قوانین گسترده‌تری هستند که کلیدهای اصلی برای پیشرفت جوامع و شکل‌گیری تمدن‌ها به شمار می‌روند. خداوند متعال این سنت‌ها را به عنوان شاخص‌هایی برای کامیابی یا سقوط تمدن‌ها در طول تاریخ، بر اساس رفتار و عملکرد امت‌ها قرار داده است. یکی از نمونه‌های آن، آیه زیر است: **﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾** [اعراف: ۹۶] (و اگر اهل آن شهرها ایمان می‌آوردند و پروا می‌کردند، [درهای] برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم؛ ولی [آیات و پیام‌های ما را] تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] آنچه می‌کردند، آنان را [به عذاب] فروگرفتیم).

این آیه تأکید می‌کند که ایمان و تقوا دو شرط اساسی برای نزول خیر و برکات بزرگ امت‌اند.

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

از دیگر سنت‌های قرآنی، «سنت تمکین در زمین» است، که در آیه زیر به صراحت بیان شده:

{وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا} [نور: ۵۵] (الله به افرادی از شما که ایمان آورده‌اند و

کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین [مشرکان] می‌سازد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند [نیز] جانشین [کافران و ستمگران] نمود؛ و [فرموده است] دینشان را که برای آنان پسندیده است، حتماً برایشان استوار [و پیروزمند] می‌سازد و یقیناً ترسشان را به آرامش و امنیت تبدیل می‌کند) این آیه به وضوح می‌گوید که تمکین و جانشینی در زمین به ایمان و عمل صالح وابسته است. بنابراین، اگر ایمان و عمل صالح تحقق یابد، تمکین و امنیت نیز حاصل می‌شود. اما اگر یکی از این دو یا هر دو نباشد، تمکین و امنیت هم از بین خواهد رفت.

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

رابطه این موضوع با علم عقیده در این است که وقتی عقیده سست شود و یقین کاهش یابد، نتایج آن بسیار خطرناک خواهد بود. همان گونه که در اندلس، در دوران پادشاهان طوایف (ملوک الطوائف) این اتفاق افتاد، و نیز در حمله مغول ها به سرزمین های اسلامی چنین شد.

شیخ الاسلام ابن تیمیه در این باره می گوید:

«از جمله دلایل ورود مغول ها به سرزمین های مسلمانان، ظهور الحاد، نفاق و بدعت ها بود؛ تا آنجا که فخر رازی کتابی در زمینه عبادت ستارگان و بت ها و اعمال سحر تألیف کرد که نام آن را السِّرّ المکتوم فی السحر و مخاطبة النجوم گذاشت».^۲

از این منظر، می توان دریافت که سنت های الهی - چه در سطح طبیعت و چه در مقیاس جوامع - سنت هایی ثابت و تغییرناپذیرند. این قوانین با تغییر زمان

۲- مجموع الفتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه (۸/۸۱-۸۲)

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

و مکان دگرگون نمی‌شوند و وظیفه انسان‌ها و جوامع این است که آن‌ها را یاد بگیرند و از آن‌ها درس بگیرند.

۲- بهره‌گیری از نوازل اعتقادی در تاریخ:

این بهره‌برداری از طریق توجه به نوازل (پیش‌آمدها و مسائل نوظهور) اعتقادی است که در طول تاریخ مسلمانان رخ داده و بررسی شیوه‌ای است که فقیهان مسلمان با آن‌ها مواجه شدند؛ و سپس استفاده از آن تجارب برای رویارویی با چالش‌های اعتقادی دوران معاصر.

در طول تاریخ اسلامی، در دوره‌های مختلف، نوازل و مسائل پیچیده‌ای رخ داده‌اند که دانشمندان عادل و مورد اعتماد پیرامون آن‌ها حکم داده‌اند؛ کسانی که از نظر علمی و دینی الگو بوده‌اند. بدون تردید، اگر طلبه یا پژوهشگری در عصر حاضر با مسأله‌ای دشوار و مورد اختلاف میان مذاهب و جریان‌های فکری معاصر روبه‌رو شود و سپس در منابع تاریخی ببیند که یکی از ائمه عادل گذشته در مورد نازله‌ای مشابه فتوا داده است، دلش آرام

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

می‌گیرد، زیرا درمی‌یابد که در این مسیر، پیشینیانی دارد که از او در این موضع‌گیری پیشی گرفته‌اند.

در این زمینه به عنوان مثال می‌توان به مسأله استعانت (یاری‌طلبی) پادشاهان طوایف اندلس از صلیبیان فرنگی اشاره کرد؛ که برخی از فقیهان مسلمان آن زمان، این کار را معصیت و گناهی بزرگ می‌دانستند، اما آن را به حد کفر اکبر نمی‌رساندند، گرچه در این باره اختلاف نظر نیز وجود داشت. در همین باره، ابوالقاسم برزلی چنین نقل می‌کند:

«به یاد دارم که در نوشته‌ای از ابن صیرفی مربوط به دوران حکومت لمتونه از قبیلهٔ صنهاجه خواندم که معتمد بن عباد (پادشاه اندلس) برای جنگ با مرابطین از نصارا (مسیحیان) یاری طلبید. خداوند، مرابطین را بر او پیروز کرد و او گریخت. سپس تسلیم یوسف بن تاشفین، امیر صنهاجه شد. فقیهان در مورد او فتوا خواستند. اکثر آنان فتوا دادند که این کار او ارتداد (کفر آشکار) بوده است، اما قاضی‌اش همراه با برخی دیگر از فقیهان، آن را ارتداد ندانستند و حکم به ریختن خونس به سبب ارتداد ندادند. پس یوسف بن تاشفین طبق

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

همین فتوا عمل کرد، رأی آسان‌تر را برگزید، او را به شهر اُغمت تبعید کرد و در آنجا سکونت داد تا اینکه در همان جا درگذشت».^۳

۳ - الهام گرفتن دروس عقیدتی و انتخاب الگوهای صالح:

استفاده از دروس آموزنده از زندگی صحابه، تابعین و فرماندهان نیکوکار در طول تاریخ، که موجب تقویت جنبه عملی عقیده، افزایش انگیزه‌ها و تجدید روح یقین، و رقابت در نیکی، صلاح و بخشش می‌شود، و همچنین تطبیق درس‌های تاریخ بر واقعیت معاصر، به گونه‌ای که اهداف شریعت را برآورده سازد و در عین حال به تفاوت‌های زمان و مکان توجه شود.

تاریخ مسلمانان پر است از دریا‌های گران‌بها و گوهرهایی که شامل موقعیت‌هایی هستند که نشان‌دهنده استواری عقیده، اخلاق حسنه و جوانمردی مسلمانان است برخلاف تصورات برخی معاصران که آن را تاریخی سیاه می‌دانند و آن را پر از دسیسه‌ها و جنگ‌ها توصیف می‌کنند! تاریخ

۳- فتاوی البرزالی (۲۲/۴).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

اسلامی محدود به وقایع خاصی مانند واقعه حرّه، قتل حسین، یا انقلاب بنی عباس علیه بنی امیه، یا مسائل دیگری نیست که در آنها نوعی یک جانبه گرایی یا تفسیر اشتباه وجود دارد.

این موضوعات ممکن است در برخی ابعاد سیاسی باشد، نه در تمامی احوال امت. و فرمانروایان معصوم نیستند، و هیچ امتی عاری از این قبیل مشکلات نبوده است - و الحمدلله، در امتان این مشکلات کم بوده است - و اینها ریشه در تاریخ مسلمانان ندارند. بلکه معمولاً در تاریخ نگاری ها تنها به وقایع مشهور پرداخته می شود، که باعث می شود گمان کنیم این حوادث مبنای اصلی تاریخ ما هستند، در حالی که چنین نیست.

اگر این وقایع منفی اساس تاریخ ما بود، مسلمانان هرگز زمانی برای پیشرفت در زمینه های علمی و فرهنگی نمی یافتند، و حتی زمانی برای تأسیس علوم مختلف مانند نحو، صرف، بلاغت، تفسیر، اصول، فقه، حدیث و غیره نمی داشتند. در همین راستا، مناظرات فقهی و زبانی، که زیر نظر خلفا برگزار می شد، وجود داشت؛ مانند مناظره سیبویه و کسائی در حضور هارون

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

الرشید، یا شب‌نشینی‌های ادبی و هنری در دربار خلفا، و حتی در زمینه‌های علوم تجربی مانند جبر، هندسه، پزشکی، جراحی، فیزیک و غیره پیشرفت‌های چشم‌گیری داشتند.

چنان‌که دانشمندان اجتماعی تأکید دارند، پیشرفت علمی تنها در شرایط رفاه و ثبات سیاسی حاصل می‌شود، که خود دلیلی بر رشد و شکوفایی ملت‌ها و تمدن‌ها است و نشانگر تعادل روانی و کمال عقل است.

مقصود این است که جنبه مثبت تاریخ اسلامی، به‌ویژه در دوران اولیه و میانه، غالب بوده است. هر کس که در کتاب «سیر أعلام النبلاء» اثر امام ذهبی یا دیگر آثار تألیف شده در زمینه شرح حال مشاهیر را مطالعه کند، تاریخ این امت را خواهد یافت که صفحاتش مملو از موقعیت‌های شجاعانه‌ای است که نشان‌دهنده یقین، استحکام عقیده، زهد، اخلاق حسنه و کرامات اولیا است؛ چیزی که دیگر ملت‌ها حسرت آن را می‌خورند.

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

هیچ کس نمی تواند در این موضوع تردید داشته باشد جز انسانی که نسبت به تاریخ ناآگاه و جاهل بوده و یا اینکه نفاق پیشه کرده است. چرا چنین نباشد در حالی که خداوند عزوجل این امت را بهترین امت برگزیده از میان مردم دانسته است؟

مطلب دوم: اموری که باید در هنگام پژوهش در مسائل تاریخی عقیدتی مورد توجه قرار گیرد:

پژوهش در مسائل عقیدتی از منظر تاریخی نیازمند یک روش شناسی دقیق است تا مانع از وقوع در تفسیرهای نادرست یا تأویل های انحرافی گردد. هدف ما در اینجا بیان روش کامل برای مطالعه تاریخ نیست، زیرا این موضوع نیازمند کتاب های روش شناسی پژوهش تاریخی است و اگر بخواهیم به آن بپردازیم، بسیار زمان بر خواهد بود. بلکه اینجا تنها اشاره ای سریع و گذرا به نکات مهم است که می تواند افق های جدیدی را برای پژوهشگر جهت مطالعه آگاهانه تاریخ از منظر عقیدتی بگشاید.

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

از جمله مسائلی که باید در نظر گرفته شوند، عبارتند از:

۱- کسب دانش تاریخی از منابع معتبر:

این موضوع شامل مطالعه تاریخ اسلام به طور گسترده، با تمرکز بر رویدادها و موقعیت‌های تاثیرگذار عقیدتی است. از جمله کتاب‌های تاریخی معتبر می‌توان به این آثار اشاره کرد: تاریخ الامم والملوک اثر امام طبری، تاریخ اسلام و سیر اعلام النبلاء هر دو اثر حافظ ذهبی، الکامل فی التاریخ اثر ابن اثیر، الوافی بالوفیات اثر صفدی، عجائب الآثار اثر جبرتی، و سایر آثار تاریخی مشابه.

همچنین در زمینه تاریخ فرق و مذاهب، می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: مقالات الاسلامیین اثر ابوالحسن اشعری، الفصل فی الملل و الالهواء و النحل اثر ابن حزم، الملل و النحل اثر شهرستانی، الفرق بین الفرق اثر بغدادی. پژوهشگرانی که به تاریخ عقیده و تاریخ‌نگاری پیرامون سیره صحابه و تابعین علاقه‌مندند باید به منابع اهل حدیث توجه ویژه داشته باشند. این منابع

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

شامل کتاب‌های صحیح و سُنن و مسانید و همچنین کتاب‌های علل و تاریخ‌های محدثین مانند: التاریخ الکبیر اثر بخاری، الجرح و التعديل اثر ابن ابی حاتم، و دیگر کتاب‌های مشابه.

این منابع، در شناخت تاریخ صدر اسلام و تاریخ این امت اصل هستند، زیرا اهل حدیث در نقل اخبار، معتبرتر از اخباری‌های دیگر هستند، بنابراین باید اخبار آنان در صورتی که با اخبار دیگران در تضاد باشد، مقدم شمرده شود.

با این حال، این امر مانع از استفاده از دیگر منابع نیست؛ زیرا نقل‌های اهل حدیث از تاریخ محدود و مختصر است. هدف اصلی این است که در مواقع اختلاف بین نقل‌ها یا در مسایل تاریخی پیچیده، روایت اهل حدیث مقدم شود؛ چرا که اخباریان دیگر، به‌ویژه شیعیان، گاه به کثرت به نقل از تاریخ صحابه و بنی‌امیه پرداخته و آن را با روایت‌های دروغین و نادرست آمیخته‌اند.

۲- آگاهی از روش‌شناسی مورخان در تاریخ‌نگاری عقیدتی:

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

مهم است که پژوهشگر به روش‌های مورخان اسلام مانند امام طبری در تاریخ الامم والملوک و دیگرانی که تاریخ فرقه‌های عقیدتی را نگاشته‌اند، مانند شهرستانی در الملل والنحل یا ابن حزم در الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، توجه داشته باشد. آگاهی از روش‌شناسی این مورخان برای تأکید و اعتبارسنجی تاریخ عقیدتی اهمیت زیادی دارد.

بعنوان نمونه امام طبری در تاریخ خود، روشی را به کار می‌برد که در آن تمام آنچه در یک موضوع گفته شده است را جمع‌آوری می‌کند، بدون آنکه صحت آنها را شرط قرار دهد. او تمام روایت‌ها، اعم از صحیح و ضعیف، را ذکر می‌کند تا مرجعی باشد برای مسلمانان و آنان هم روایت صحیح و هم ضعیف را مشاهده کنند.

امام طبری در مقدمه کتاب خود گفته است: «هر خبری که در این کتاب ذکر کرده‌ایم و خواننده آن را منکر و یا شنونده آن را زشت و ناپسند می‌داند، بخاطر اینکه نه وجه صحیحی و نه معنایی برایش می‌یابد، باید بداند که این خبر از

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

طرف ما نرسیده است، بلکه از طرف برخی از ناقلان به ما رسیده است و ما آن را به همان طور که از آنها به ما رسید، نقل کرده ایم».^۴

شهرستانی در مقدمه کتاب خود چنین نوشته است: «شرط من بر خودم این است که مذهب هر فرقه را به همان طور که در کتاب هایشان یافته ام ذکر کنم، بدون تعصب برای آنها و یا بدون شکستن آنها، بدون آنکه صحیح آن را از نادرست آن مشخص کنم و حق آن را از باطلش جدا کنم».^۵

۳- دقت در آنچه که به عقیده مربوط است:

اصل در نقل تاریخ و سیرت خلفا و فتوحات این است که در آن آسان گیری شده و بدون دقت زیاد در اجرای قواعد محدثین آن را نقل می کنند، به شرط اینکه در کتاب های معتبر و مورد پذیرش آمده باشد. به همین دلیل امام احمد گفته

۴- تاریخ الامم والملوک (۲۴/۱).

۵- الملل والنحل (۱۴/۱).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

است: «سه چیز اصل ندارند: تفسیر، ملاحم [اخبار آخر الزمان]، و مغازی.»^۶ و همچنین گفته است: «اما ابن اسحاق، این نوع حدیث‌ها (یعنی سیره‌ها و مغازی و مانند آن) را می‌نویسد، اما وقتی به موضوعات حلال و حرام می‌رسیم، گروهی را می‌خواهیم که چنین باشند، سپس دستانشان را به هم چسباند و دو انگشت شصت خود را راست کرد. [یعنی نهایت دقت را داشته باشند]»^۷

اینجاست که پژوهش‌گر باید بین دو نوع از مسائل تفاوت قائل شود:

الف- آنچه به عقیده مربوط است:

هر چیزی که در تاریخ و سیرت‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با صحت اعتقاد مسلمانان مرتبط باشد، باید دقیقاً بررسی و غربال شوند و تنها بر اساس روایت‌های صحیح عمل می‌شود.

۶- نگا: الجامع لأخلاق الراوي، الخطيب البغدادي (۲/ ۱۶۲)، مقدمة أصول التفسير، ابن تیمیة (ص: ۲۸).

۷- نگا: تاریخ ابن معین (۲/ ۵۰۲-۵۰۴).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

مثال بارز در این زمینه مسئله تحکیم میان علی و معاویه است. داستانی مشهور و ساختگی در این خصوص وجود دارد که به قدری مشهور شده که دیگر نیازی به ذکر آن نیست. این داستان که توسط اخباری‌ها نقل شده است، صحابه را به عنوان افرادی فریبکار به تصویر می‌کشد. سند این داستان به «ابومخنف لوط بن یحیی» می‌رسد، که ذهبی در مورد او گفته است: «ابومخنف لوط بن یحیی: اخباری بیهوده‌ای است و نمی‌توان به او اعتماد کرد، ابو حاتم و دیگران او را ترک کرده‌اند. دارقطنی او را ضعیف می‌داند، ابن معین گفته است که او ثقه نیست و یک بار گفته است که او هیچ چیز نیست».^۸

اما درست در این زمینه آن است که اهل حدیث، مانند امام دارقطنی، با سند صحیح از تابعی معتبر ح‌ضین بن المنذر روایت کرده‌اند که از عمرو بن عاص در این مورد سؤال کرده و عمرو، در حالی که ماجرا را از زبان خودش و ابو موسی نقل می‌کرد، گفته است: «به ابو موسی گفتم: درباره این قضیه چه نظری داری؟ ابو موسی گفت: به نظر من خلافت حق آنانی است که رسول الله

۸- میزان الاعتدال (۴۱۹/۳).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

در حالی از دنیا رفت که از آن‌ها راضی بود، عمرو پرسید پس من و معاویه چه جایگاهی داریم؟ ابو موسی جواب داد: اگر از شما کمک خواسته شود، کمک می‌رسانید، اگر از شما احساس بی‌نیازی شود، چه بسیار شده که دین خداوند از شما بی‌نیاز بوده است».^۹

این نکته همچنین شامل مسائلی است که اعتبار دانشمندان و ائمه‌ای که عدالتشان ثابت شده است را خدشه‌دار می‌کند یا از شأن آن‌ها می‌کاهد و حال آن‌ها را به گونه‌ای دیگر برای مردم معرفی می‌کند؛ بنابراین هر کسی که عدالت او ثابت شود جرح او پذیرفته نمی‌شود تا اینکه این موضوع با قضیه‌ای روشن شود که هیچ احتمالی جز جرح آن شخص در آن نباشد، آن گونه که حافظ ابن حجر گفته است.^{۱۰}

ب- آنچه به عقیده مربوط نیست:

۹- روایت ابن عساکر (۱۷۵/۴۶)، همچنین نگا: العواصم من القواصم (ص ۱۸۰).

۱۰- تهذیب التهذیب (۲۷۳/۷).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

چیزهایی مانند سیاست خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس، اوضاع و احوالشان، مسائل سیاسی، کودتاها، دسیسه‌ها، نبردها و فتوحات اسلامی مانند فتح ترکستان، آذربایجان و اندلس، اصولاً در این موارد مادامی که روایت‌ها در منابع معتبر تاریخی نقل شده باشند آن‌را می‌پذیریم. در غیر این صورت، اگر ما بخواهیم قواعد محدثین را در تاریخ اعمال کنیم، بخش زیادی از تاریخ اسلام را از دست خواهیم داد. مگر اینکه برای دفاع از شخصیت مشهور به عدالتی که به سبب آن حادثه مورد طعن قرار گرفته آن رویداد را مورد نقد حدیثی قرار داد، در چنین مواقعی باید ابتدا از صحت نقل اطمینان حاصل کرد از باب «اول پایه را محکم کن، سپس به زیبایی خانه برس»؛ برای مثال مانند حادثه سوزاندن کشتی‌ها توسط طارق بن زیاد یا بررسی شک و شبهاتی که درباره صلاح‌الدین ایوبی نقل می‌شود، برای پاسخگویی به اظهارات خاورشناسان باید این روایت‌ها را به دقت راستی‌آزمایی کرد. این کار اگرچه خوب است، اما جنبه اجتهادی و مصلحانه داشته و ارتباطی با عقیده ندارد.

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

دکتر اکرم ضیاء العمری می‌گوید: «اما اینکه بخواهیم همان شروطی که برای صحت احادیث قائل هستیم در پذیرش اخبار تاریخی که به عقیده و شریعت مربوط نیست نیز قائل شویم، در آن سخت‌گیری و تشدد زیادی وجود داشته و خطری که از آن نشأت می‌گیرد بسیار بزرگ است؛ زیرا روایت‌های تاریخی که توسط مورخان پیشین ما ثبت شده‌اند، به مانند احادیث با دقت مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و در آن‌ها تساهل و آسان‌گیری صورت گرفته است. اگر ما روش آنان را رد کنیم، حلقه‌های خالی تاریخ، شکاف عمیقی بین ما و گذشته‌مان ایجاد خواهد کرد که منجر به سردرگمی، گمراهی، تفرقه و قطع ارتباط خواهد شد. اما این بدان معنا نیست که از روش محدثان در نقد سندهای روایات تاریخی دست بکشیم؛ زیرا این روش وسیله‌ای برای ترجیح دادن بین روایات متعارض است، همچنین کمک زیادی در پذیرش یا رد بعضی متون آشفته یا منحرف از چارچوب کلی تاریخ امت ما دارد. با این حال، بهره‌برداری از این نقدها باید با انعطاف‌پذیری صورت گیرد و باید توجه داشته باشیم که

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

احادیث با روایات تاریخی تفاوت دارند، زیرا احادیث به گونه‌ای مورد توجه قرار گرفته‌اند که می‌توانند در برابر قواعد سخت‌گیرانه نقد، ایستادگی کنند.^{۱۱}

مطلب سوم: نمونه‌هایی از کاربرد تاریخ توسط علما در مسائل عقیدتی:

در طول تاریخ، بسیاری از علما از رویدادهای تاریخی برای روشن‌سازی مسائل عقیدتی و تبیین آن‌ها استفاده کرده‌اند که به غنای تفکر عقیدتی کمک کرده است. در این بخش، برخی از نمونه‌های برجسته را بررسی خواهیم کرد که نشان می‌دهند چگونه این علما تاریخ را به عنوان ابزاری برای توضیح مفاهیم عقیدتی به کار گرفته‌اند.

مثال اول: استفاده امام احمد از حادثه قیام ابن اشعث برای بازداشتن از شورش علیه حکام:

ابو الحارث نقل می‌کند که از ابو عبدالله درباره اتفاق که در بغداد رخ داده بود و گروهی قصد شورش داشتند پرسیدم و به او گفتم: «ای ابو عبدالله، نظر

۱۱- دراسات تاریخیة (ص: ۲۷).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

شما در مورد همراهی با این گروه قیام کننده چیست؟» امام احمد آن را انکار کرد و گفت: «سبحان الله! خون‌ها، خون‌ها، من با آن موافق نیستم و به آن توصیه نمی‌کنم. صبر بر وضعیتی که ما در آن هستیم بهتر از فتنه‌ای است که در آن خون‌ها ریخته می‌شود، اموال غارت می‌شود و محرمات نقض می‌شود. آیا نمی‌دانی که مردم چه وضعی داشتند؟!» - اشاره به دوران فتنه‌ها. گفتم: «ای ابو عبد الله! آیا امروز مردم در فتنه نیستند؟!» امام احمد پاسخ داد: «اگرچه چنین است، اما این فتنه‌ای خاص است، و زمانی که شمشیر کشیده شود، فتنه به تمام امت می‌رسد و راه‌ها بسته می‌شود. صبر بر این فتنه بهتر است، تا دینت محفوظ بماند.» سپس مشاهده کردم که امام احمد به شدت از قیام بر علیه حکام انکار باز می‌داشت و می‌گفت: «خون‌ها، من با آن موافق نیستم و به آن توصیه نمی‌کنم.»^{۱۲}

تحلیل متن:

۱۲- السنة اثر ابوبکر خلال (۱۳۲/۱)

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

از این متن به وضوح می‌توان فهمید که امام احمد درک عمیقی از تاریخ اسلام داشت. او به وقایع گذشته استناد می‌کند و به فتنه‌ای که در زمان‌های گذشته رخ داده بود مانند فتنه ابن اشعث اشاره می‌کند و از آن برای هشدار دادن به امت اسلامی در زمان خود جهت تکرار نکردن اشتباهات گذشته استفاده می‌کند.

امام احمد میان دو نوع فتنه فرق می‌گذارد: فتنه‌ای عمومی که تمام امت را درگیر می‌کند و فتنه‌ای خاص که ممکن است تنها گروه مشخصی را در بر گیرد. او از امت اسلامی می‌خواهد که در فتنه‌های عقیدتی خاص صبر کنند تا از افتادن در فتنه‌های بزرگتر که به خونریزی می‌انجامد، جلوگیری کنند. امام احمد فتنه‌هایی که تاثیر عقیدتی عمده دارند، مانند فتنه‌هایی که در آن خون‌ها ریخته می‌شود و محرمات نقض می‌شود را از فتنه‌های دیگر متفاوت دانسته و بر لزوم تحمل در برابر فتنه‌هایی که به خاطر حفاظت از دین باید آن‌ها را تحمل کرد، تاکید می‌کند.

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

امام احمد همچنین گذشته را به حال ربط داده و تأکید می‌کند که تاریخ ممکن است دوباره تکرار شود اگر از عبرت‌ها و درس‌های گذشته استفاده نکنیم. او با استفاده از فتنه‌های گذشته مانند فتنه ابن اشعث، به امت اسلامی در زمان خود هشدار می‌دهد تا از افتادن در همان اشتباهات خودداری کنند. او نتیجه می‌گیرد که قیام مسلحانه همیشه به نتایج مصیبت‌بار منتهی می‌شود و به همین دلیل به امت توصیه می‌کند که در شرایط کنونی صبر کنند.

این مفهوم را همچنین شیخ الاسلام ابن تیمیه تأیید می‌کند در آن جایی که می‌گوید: «سراغ نداریم که هیچ گروهی علیه سلطان قیام کرده باشد، مگر اینکه با قیام خود فسادى که ایجاد نموده بیش از فسادى بوده که آن را از بین برده است».^{۱۳}

در اینجا امام احمد به این نکته اشاره می‌کند که سنت‌های الهی در تکرار وقایع تاریخی عمل می‌کنند، اگر در شرایط مشابه پیش بیایند. نظر او این بود

۱۳- منهاج السنة اثر ابن تیمیه (۳/۳۹۱).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

که قیام مسلحانه و فتنه‌هایی که از یک قضیه کوچک آغاز می‌شوند، ممکن است به فجایع بزرگ منتهی شوند. همچنین امام احمد به مقاصد بزرگ شریعت اشاره می‌کند که شامل حفظ جان‌ها، اموال، دین و آبرو است. او بر این باور بود که قیام مسلحانه علیه حکام هیچ خیری به دنبال ندارد، بلکه منجر به ریختن خون‌ها و نقض محرمات می‌شود، که با مقاصد شریعت منافات دارد.

مثال دوم: تسلط دشمنان به دلیل فساد عقیده:

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: «وقتی در شام و مصر و جزیره الحاد و بدعت‌ها ظاهر شد، کفار بر آنها مسلط شدند. اما وقتی به فرامین اسلام عمل کردند و ملحدان و مبتدعان را مغلوب ساختند، خداوند آنها را بر کفار پیروز کرد... همچنین وقتی اهل مشرق به فرامین اسلام عمل می‌کردند، بر کفار و مشرکان ترک و چینی و هندی پیروز می‌شدند. اما وقتی در آنها بدعت، الحاد و فجور ظاهر شد، کفار بر آنها مسلط شدند... برخی از مشایخ می‌گفتند: هولاکو، پادشاه مغول‌های ترک، که خلیفه را در عراق شکست داد و در بغداد

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

قتل عام بزرگی به راه انداخت - گفته می شود که او هزار هزار (یک میلیون) نفر را کشت و همچنین دارالملک حلب را نابود کرد - برخی از علما می گفتند: او برای مسلمانان مانند بخت نصر برای بنی اسرائیل است. و از علت های ورود این افراد به دیار مسلمانان، ظهور الحاد، نفاق و بدعت ها بود، تا جایی که رازی کتابی در مورد پرستش سیاره ها و بت ها و انجام سحر نوشته بود که آن را «سر پنهان در سحر و سخن گفتن با ستارگان» نامیده بود.^{۱۴}

در این متن، ابن تیمیه آگاهی عمیق خود از تاریخ اسلام را نشان می دهد، چه در ذکر وقایع بزرگ مانند حمله هولاکو به بغداد یا حمله مغول ها به شام و حلب، و همچنین اشاره به حوادث تاریخی مذهبی مهم مانند حادثه بخت نصر با بنی اسرائیل، سپس از این وقایع برای درک مواضع عقیدتی استفاده می کند، که این نشان دهنده درک او از رابطه میان عقیده و تاریخ سیاسی امت است.

۱۴- مجموع الفتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه (۸۱/۸-۸۲).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

شیخ الاسلام ابن تیمیه تاریخ را برای روشن ساختن ارتباط میان انحراف عقیدتی و دوری از اسلام با شکست‌ها و آزمایش‌هایی که مسلمانان در طول تاریخ با آن روبرو شده‌اند به کار می‌برد. نحوه به کارگیری او از تاریخ در تفسیر واقع اعتقادی این است که اشاره می‌کند که بدعت‌ها و الحاد عوامل عقیدتی مشخصی هستند که به تسلط کفار بر امت اسلامی منجر شده‌اند. این نکته توجه را به این حقیقت جلب می‌کند که هر انحرافی در عقیده با عواقب دنیوی همراه است، بنابراین او اساساً بر حوادثی که تأثیرات عقیدتی دارند تکیه می‌کند؛ مانند استشهاد او به کتاب رازی (سرپنهان) که به یک مسئله عقیدتی مربوط به شرک و سحر می‌پردازد.

همچنین ابن تیمیه در این متن بین وقایع تاریخی و مقاصد شریعت ارتباط برقرار می‌کند، و اشاره می‌کند که (حفظ عقیده) یکی از مهمترین مقاصدی است که پیروزی و توفیق را برای امت تضمین می‌کند. بنابراین، هر استفاده او از تاریخ در اینجا برای خدمت به این هدف اصلی است: حفظ عقیده.

مثال سوم: تبرئه پادشاهان عادل مسلمان:

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌فرماید: «این دو قول میانه‌اند؛ اینکه گفته شود: خلافت واجب است و تنها در مواقع نیاز می‌توان از آن خارج شد، یا گفته شود: خلافت همراه با پادشاهی پذیرفته می‌شود به گونه‌ای که مقصود ولایت به آسانی و نه به دشواری محقق شود، زیرا آنچه که انجام مقصود بدون آن ناممکن است را باید پذیرفت. اما وجوب یا مستحب بودن پادشاهی محل اجتهاد است... و در اینجا دو طرف وجود دارند: یکی کسانی که خلافت راشده را در هر حال و زمان و بر هر کسی واجب می‌دانند، و هر کس که از آن خارج شود، چه به طور مطلق یا برای نیاز را نکوهش می‌کنند، همچون بدعت‌گزارانی مانند خوارج و معتزله و گروه‌هایی از سنی‌نمایان و زاهدنمایان. طرف دوم کسانی هستند که پادشاهی را به طور مطلق بدون مقید کردن آن به پیروی از سنت خلفای راشدین مجاز می‌دانند، مانند ستمگران و اباحی‌گران و افرادی از مرجئه. این تفصیل خوبی است که کامل‌تر آن بیان خواهد شد. اما به طور دقیق می‌توان گفت: انتقال از خلافت نبوت به پادشاهی یا به دلیل ناتوانی مردم از اقامه خلافت نبوت است یا اجتهاد

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

صحیح، یا در صورت توانایی علمی و عملی برای اقامه خلافت نبوت. اگر ناتوانی علمی یا عملی باشد، اقامه [نظام] پادشاهی در این وضعیت معذور است، زیرا اقامه خلافت تنها در صورت توانایی واجب است و در صورت ناتوانی ساقط می شود، همانطور که سایر واجبات در صورت ناتوانی ساقط می شوند؛ مانند حال نجاشی وقتی که اسلام آورد و قادر به اعلام آن در قوم خود نبود، بلکه وضعیت یوسف صدیق نیز از برخی جهات به این قضیه شباهت دارد. اما پادشاهی برای برخی از پیامبران مانند داوود، سلیمان و یوسف مجاز بود. و اگر فرض بگیریم با وجود توانایی علمی و عملی، برپایی خلافت نبوت مستحب باشد نه واجب، انتخاب [نظام] پادشاهی در شریعت ما همانند دیگر شریعت ها مجاز است. و اگر این فرضیه درست باشد، هیچ گناهی بر پادشاه عادل نیز نیست. این مطلب را قاضی ابو یعلی در کتاب «المعتمد» هنگامی که در مورد تثبیت خلافت معاویه صحبت کرده، ذکر کرده است.^{۱۵}

۱۵- رسالة الخلافة والملك (ص: ۲۹-۳۰)، که در ضمن مجموع الفتاوی وجود دارد (۳۵-۳۰/۱۵).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

در این متن، ابن تیمیه به موضوع انتقال از خلافت راشده به پادشاهی پرداخته و سعی دارد احکام شرعی را با شرایط تاریخی تطبیق دهد. او در اینجا توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان تاریخ را برای درک مسائل عقیدتی و مفاهیم حکومت و ولایت به کار گرفت. ابن تیمیه سه گرایش اصلی در مورد خلافت و پادشاهی را ذکر کرده و آن‌ها را به تفصیل توضیح می‌دهد.

نحوه به کارگیری تاریخ توسط ابن تیمیه:

ابن تیمیه با استفاده از مثال‌های تاریخی از نظام حکومتی بنی اسرائیل مانند داوود، سلیمان و یوسف علیهم السلام، می‌خواهد نشان دهد که پادشاهی لزوماً از نظر شرعی حرام نیست. این نشان‌دهنده درک عمیق او از تاریخ و کاربرد آن در مسائل عقیدتی است. او معتقد است که در تاریخ پیامبران، مواردی وجود داشته که در آن‌ها ولایت سلطنتی جایز و مشروع بوده است. همچنین طبق تاریخ، پادشاهی در بنی اسرائیل ارثی بوده و پیامبران نیز این سنت را دنبال کرده‌اند. حتی سلیمان علیه السلام پسر خود را که پیامبر نبود به جانشینی گمارد. این مسئله باعث می‌شود که ابن تیمیه جواز پادشاهی را

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

محتمل بداند و به طور قطعی حکم به بطلان آن ندهد، با اینکه او در نهایت پادشاهی را در شریعت ما واجب می‌داند.

در اینجا، ابن تیمیه بین ایده‌آل‌های دینی و اجتهاد واقع‌بینانه‌ای که بر اساس شرایط تاریخی استوار است، توازن برقرار می‌کند. این نوع استفاده از تاریخ هدفش تقویت فهم منعطف از شریعت است و به عنوان یک قاعده مهم در مقابله با گروه‌های افراطی که مسئله حکمرانی را به عنوان محور اصلی دین می‌دانند، به کار می‌رود. حتی برخی از نویسندگان معاصر به خلافت معاویه انتقاد کرده‌اند به این دلیل که او اولین کسی بود که پادشاهی را در اسلام پایه‌گذاری کرد. این مسئله اهمیت مطالعه تاریخ را برای درک تحولات معاصر نشان می‌دهد.

مثال چهارم: اختلاف فقهاء در مورد ارتداد ملوک الطوائف به دلیل یاری طلبی از نصارا:

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

ابو القاسم برزلی می‌گوید: «در مورد حکم گروهی که از دشمن کمک خواسته‌اند، صحبت نشده است. به خاطر دارم که دیدم ابن صیرفی در تاریخ لمتونیان صنهاجی نوشته است که معتمد بن عباد در جنگ با مرابطین از آنان [یعنی نصارا] کمک خواسته بود، اما خداوند مرابطین را بر او پیروز کرد. خود معتمد فرار کرد و سپس تحت حکم یوسف بن تاشفین، امیر صنهاجه قرار گرفت. یوسف بن تاشفین در این مورد از فقهاء سوال کرد و بیشتر آنها فتوا دادند که این [اقدام او] ارتداد است. ولی قاضی او و برخی فقهاء این را ارتداد ندانسته و خون او را به دلیل ارتداد حلال ندانستند، بنابراین فتوایش را پذیرفت و حکم آسان‌تر را گرفت و او را به آغمت تبعید کرد و در آنجا سکونت داد تا این که در همانجا از دنیا رفت».^{۱۶}

ابو حامد غزالی می‌گوید: «بر امیر (یعنی یوسف بن تاشفین) و پیروانش واجب است که با کسانی که از فرمان او سرپیچی کرده‌اند، بجنگند، خصوصاً که آنها از نصارای مشرک و دوستان آنها کمک خواسته‌اند. این‌ها دشمنان خدا

۱۶ - فتاوی البرزالی (۲۲/۴).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

هستند که در مقابل مسلمانان که دوستان خدا هستند ایستاده‌اند. یکی از بزرگترین عبادات این است که با آنها بجنگند تا به فرمان برداری از امیر عادل که تابع خلافت عباسی است بازگردند و از مخالفت دست بردارند. اگر با آنها جنگیدند، نباید کسانی را که فرار کرده‌اند تعقیب کرده و یا مجروحانشان را بکشد. بلکه زمانی که قدرتشان فرو بریزد و شکست بخورند، باید از جنگ با آنها دست بردارند. منظور از این درگیری، با مسلمانانی است که با نصارا هم‌پیمان شده‌اند و نه خود نصاری که هیچ عهده‌ای با مسلمانان ندارند. همچنین هر آنچه از اموالشان به دست آید باید به خودشان یا وارثانشان بازگردانده شود و آنچه از زنان و فرزندان‌شان در جنگ گرفته شود، هدر بوده و ضمانتی ندارد. حکم کلی آنها به عنوان بغی بر امیری است که پایبند به فرمان برداری از خلافت عباسی بوده و با قدرت و شوکت بر منابر و سرزمین‌ها مستولی شده، لذا آن‌ها حکم بغی بر نائب امام را دارند».^{۱۷}

۱۷ - نگا: الشواهد الجلة في مشاهد الإسلام اثر ابوبکر بن العربی (ص: ۳۱).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

از دو متن پیشین بر می آید که برزلی و غزالی، هر دو به یک رخداد مهم در تاریخ اندلس اشاره می کنند که همان استعانت و یاری طلبی برخی از پادشاهان طوائف از نصارا در مقابله با یوسف بن تاشفین، امیر مرابطین بوده است. این وقایع تأثیر بزرگی در مسائل عقیدتی دارند، زیرا دوستی و همدستی پادشاهان مسلمان با غیر مسلمانان در زمان های نبرد و ائتلاف را می رساند.

به کارگیری تاریخ توسط علما: فقها در رابطه با حکم این استعانت و یاری طلبی اختلاف نظر داشتند. برخی آن را ارتدادی می دانستند که قتل معتمد بن عباد را می طلبد، در حالی که برخی دیگر آن را ارتداد نمی دانستند.

برزلی در این باره اختلاف فقها را در مورد استعانت از نصارا مطرح می کند و غزالی دیدگاه خود را درباره قتال این شورشیان به همراه ضوابط فقهی مربوط به جنگ توضیح می دهد.

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

غزالی نشان می‌دهد که او قائل به کافر بودن پادشاهان طوائف نیست، بلکه آنها را شورشیانی گناهکار می‌داند و توصیه می‌کند که نباید فراریان را دنبال کرد یا به زخمی‌های آنها حمله کرد.

اختلاف علما که برزلی نقل کرده است، ممکن است به این دلیل باشد که معتمد بن عباد پیشینه‌های خوبی از ایمان و اسلام خود داشته است، چرا که در ابتدا زمانی که از یوسف بن تاشفین علیه آلفونسو کمک خواست، از پرداخت جزیه به او امتناع کرد، چرا که آلفونسو به اسلام توهین کرده بود. این نشان‌دهنده ایمان قوی او است.

مبنای تکفیر به خاطر موالات (دوستی با کفار)، موالات کامل است که شامل دوست داشتن پیروزی کفر بر ایمان باشد، اما موالات به قصد منافع دنیوی و تحقق مصالح سیاسی بر اساس نظر صحیح کفر نیست.^{۱۸}

۱۸ - برای اطلاع بیشتر از حکم علما در مورد دوست داشتن کفار مراجعه کنید به آدرس زیر:

<https://www.islamweb.net/ar/fatwa/۲۶۸۶۵۷>

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

برخی از علما معتقد بودند که معتمد بن عباد دوست داشتن پیروزی کفر بر اسلام را نشان داده است، در حالی که دیگران سوابق او را به عنوان شاهی بر عدم علاقه‌مندی به کفر ذکر می‌کنند، همانطور که پیامبر ﷺ با حاطب بن ابی بلتعہ این کار را کرد و سوابق او را به یاد آورد چون او از اهل بدر بود.

و فایده‌ای که پژوهشگر در علم عقیده از این واقعه می‌برد:

حکم فقهای گذشته در این مسئله به عنوان مدارک معتبر و مستند است که فقیه امروزی می‌تواند به آن‌ها تکیه نموده و از آن‌ها برای استنباط حکم در شرایط مشابه در دوران معاصر استفاده کند. برخی از معاصران از تاریخ فتنه‌ها و اتحادهای سیاسی در اندلس به عنوان دروسی برای تعیین احکام معاصر بهره برده‌اند که این امر نشان‌دهنده اهمیت استفاده از تاریخ در تحلیل وقایع جدید است.

همچنین از این مسئله می‌توان به سنت خداوند در امت‌های گذشته پی برد:
زمانی که عقیده ضعیف شود یا اتحادهایی با دشمنان به دلایل غیر شرعی

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

شکل بگیرد، نتایج آن خطرناک خواهد بود، مانند آنچه که در اندلس با ملوک الطوائف رخ داد.

مثال پنجم: بطلان نسبت مذهب اعتزال به زید بن علی:

ابن وزیر یمانی به داستان معروفی که شهرستانی نقل کرده است اشاره می‌کند که در آن آمده است که زید بن علی نزد واصل بن عطاء تحصیل می‌کرد و بعد مناظراتی با برادرش محمد باقر در مورد اعتزال داشت.

علامه ابن وزیر می‌گوید:

«این گفته‌ها قطعاً باطل است و احتمالاً از دروغ‌های روافض است. شهرستانی هیچ سند یا شاهی از نقل‌های قدیمی زیدیه یا تاریخ‌نگاران معتبر نیاورده است. شهرستانی در کتاب خود بارها سخنان بی‌اساسی را نقل کرده که بطلان آن در نزد علما از بدیهیات است... اگر شهرستانی شناخت کامل و انصاف داشت، باید آنچه را که گفته است با موارد شناخته شده در کتاب‌های رجال و تاریخ علمای اهل سنت مقایسه می‌کرد و باید ترجیح

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

صحیح را با دلایل قوی تر ارائه می کرد... دلیل دیگری که نشان دهنده عدم تحقیق دقیق او در شناخت رجال است، این است که زید بن علی را از پیروان معتزله دانسته و سپس پس از ذکر امامیه، برخی از ائمه اهل سنت و راویان صحاح را به عنوان پیروان زید بن علی ذکر کرده و آن ها را زیدیه معرفی کرده است. او همچنین نام افرادی چون شعبه، وکیع، یحیی بن آدم، منصور اسود، هارون بن سعد عجل، عبیدالله بن موسی، فضل بن دکین، علی بن صالح، یزید بن هارون، علاء بن راشد، هیثم بن بشیر، عواد بن حوشب و مستلم بن سعید را به عنوان مؤلفان و دعوت کنندگان به مذهب زیدیه ذکر کرده است. چگونه ممکن است چنین چیزی صحیح بوده و مذهب زید همان مذهب اعتزال باشد در حالی که در این جمع، برخی از سرسخت ترین مخالفان معتزله مانند شعبه و وکیع حضور دارند؟ این نشان می دهد که شهرستانی در تحقیق و شناخت رجال دقت نکرده است.»^{۱۹}

۱۹ - العواصم والقواصم (۳۱۶/۲) به طور مختصر

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

از متن قبلی می‌توان نتیجه گرفت که اهمیت دقت در نقل مطالب اعتقادی وقتی که قرار است به شخصیت‌های اهل سنت و پیشوایان سلف نسبت داده شود، بسیار حیاتی است. ابن وزیر در انتقاد از شهرستانی به این نکته اشاره می‌کند که او هیچ سند یا شاهد معتبری از نقل‌های قدیمی ارائه نکرده است، و این مسأله نشان‌دهنده درک ابن وزیر از روش‌های تاریخی و اهمیت صحت منابع است. او بر ضرورت بررسی و اطمینان از صحت منابع تاریخی و اعتقادی قبل از پذیرش آن‌ها تأکید دارد.

ابن وزیر همچنین بر نقد و بررسی دقیق اقوال اعتقادی و تمیز آن‌ها تأکید می‌کند، زیرا این روایت به وضوح بر درک مردم از جایگاه زید بن علی و نقش او به عنوان امامی از امامان سلف صالح تأثیر می‌گذارد. بدون شک نسبت دادن زید به مذهب اعتزال نوعی مشروعیت به اعتزال خواهد بخشید، زیرا زید از امامان سلف به شمار می‌رود.

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

شاید شهرستانی این نقل را از برخی زیدی‌ها گرفته باشد که قصد دارند اعتزال خود را مشروع جلوه دهند، و بسیاری از نویسندگان و حتی برخی علمای معاصر نیز بدون تحقیق به این اطلاعات استناد کرده‌اند.

چگونه ممکن است این موضوع درست باشد، در حالی که زید در شهر پیامبر بزرگ ﷺ شده و از بزرگان اهل بیت مانند پدرش امام علی زین العابدین و دیگران، و از بزرگانی چون سعید بن جبیر، سعید بن مسیب و نافع آموخته است؟! چگونه ممکن است او از کسی که اهل بدعت بوده و علمش مشکوک است، و از نظر سنی از او کوچکتر بوده است، علم و دانش یاد بگیرد؟

علاوه بر این، هیچ‌یک از علمای اهل حدیث و کتاب‌های رجال این مذهب را به زید نسبت نداده‌اند. بلکه ائمهٔ سلف خلاف این را از او نقل کرده‌اند. برای مثال، مردی به زید بن علی گفت: «آیا تو کسی هستی که می‌گویی خداوند خواسته که معصیت شود؟» زید بن علی پاسخ داد: «آیا معصیت به زور انجام

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

می‌شود؟»^{۲۰} این سخن صریحاً مذهب اهل سنت را بیان می‌کند و زید را از بدعت اعتزال تبرئه می‌کند.

این اشتباه تاریخی که شهرستانی مرتکب شده هنوز هم توسط برخی نویسندگان، روزنامه‌نگاران و حتی علمای معاصر بدون تحقیق استفاده می‌شود. مثلاً شیخ محمد ابو زهره در کتاب خود «زید بن علی» از این روایت استفاده کرده است. این مسأله اهمیت مستندسازی و دقت در بررسی منابع معاصر و تأثیر آن‌ها بر فهم‌های اعتقادی معاصر را نشان می‌دهد.

مثال ششم: تعدد خلفاء در سرزمین‌های مسلمان:

شیخ الاسلام محمد بن عبدالوهاب رحمه الله می‌فرماید: «علمای همه مذاهب اجماع دارند بر اینکه هر کسی که بریک یا چند سرزمین تسلط یابد، حکم امام [خلیفه] را در تمام امور دارد. اگر اینطور نبود، دنیا به درستی نمی‌چرخید. چرا که مردم از زمان امام احمد تا به امروز هیچ‌گاه بریک امام

۲۰ - نگا: تاریخ الإسلام (۸/ ۱۰۷)، تذهیب التهذیب (۳/ ۲۵۷).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

[خلیفه و حاکم] واحد گرد نیامده‌اند و هیچ‌یک از علما نگفته‌اند که هیچ حکمی جز با امام اعظم [خلیفه‌ای که بر کل ممالک اسلامی حکمرانی کند] صحیح نیست.^{۲۱}

شیخ محمد بن عبدالوهاب در متن فوق توضیح می‌دهد که علما از زمان امام احمد به بعد، برای صحت احکام شرعی در سرزمین‌های مختلف وجود یک خلیفه واحد را شرط ندانسته‌اند، و برای این موضوع به موافقت علما با چنین وضعیتی استدلال می‌کند.

او قصد دارد بگوید که از زمان استقلال عبدالرحمن الداخل (شاهین قریش) در اندلس، مسلمانان تحت یک خلیفه واحد نبوده‌اند و فقها این وضعیت را تایید کرده‌اند. همچنین ائمه چهارگانه به شاگردانشان در اندلس دستور نداده‌اند که بیعت امام [حاکم] خود را نقض کنند.

۲۱ - الدرر السنية في الأجوبة النجدية (۵/۹).

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

شیخ محمد بن عبدالوهاب همچنین از این رویداد تاریخی برای توضیح مسأله‌ای اعتقادی در عصر حاضر ما استفاده می‌کند که نیازی به وجود یک خلیفه واحد برای همه مسلمانان نیست. چرا که سلطنت عثمانی در آن زمان وجود داشت و شامل برخی سرزمین‌های مسلمان می‌شد، و سرزمین نجد و اطراف آن تحت حکومت امام محمد بن سعود بود، یمن به صورت مستقل تحت حکمرانی امام منصور بود، و ممالیک در عراق زیر فرمان سلیمان پاشای مملوکی زندگی می‌کردند.

همانطور که ائمه چهارگانه در گذشته حکم غلبه را پذیرفته‌اند، باید این مسأله در زمان حاضر نیز پذیرفته شود تا از هرج و مرج جلوگیری شده و نظم عمومی حفظ گردد.

نتیجه‌گیری:

در این تحقیق به بررسی ابعاد مختلف استفاده از تاریخ در علم عقیده پرداخته‌ایم و ضرورت رعایت چند نکته در هنگام تحقیق تاریخی عقیدتی برای

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |

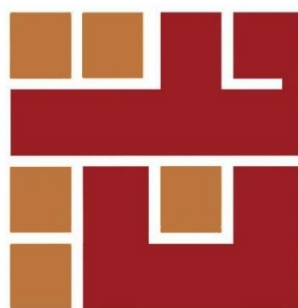
تضمین دستیابی به فهم دقیق و صحیح از مسائل را مورد توجه قرار داده‌ایم. همچنین نمونه‌هایی از استفاده علمای دین از تاریخ در مسائل عقیدتی را مرور کرده‌ایم.

تمام آنچه ذکر شد، تنها نگاهی اجمالی بود و هدف از آن، ارائه راهنمایی‌های اولیه بود تا پژوهشگران بتوانند بر اساس این مباحث به جنبه‌های دیگری پرداخته و دیدگاه‌های جدید و محکم‌تری را برای مقابله با چالش‌های فکری معاصر به دست آورند.

استفاده از تاریخ در زمینه عقیده تنها محدود به غنی‌سازی علمی نیست، بلکه تبدیل به سلاحی فکری برای مقابله با افکار انحرافی و چالش‌های معاصر می‌شود. این امر موجب تقویت عقیده در نسل‌های امروز و حرکت آنها به سوی پایبندی به اصول دینی با روحیه‌ای آگاهانه و درک عمیق از تاریخ و نقش آن در ساختن آگاهی عقیدتی خواهد شد.

اللهم صلّ علی نبینا محمد، وعلی آله وصحبه وسلم.

به کارگیری تاریخ در بهبود مسائل اعتقادی و وضعیت اعتقادی کنونی |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies